

معضلات پژوهش در آموزش عالی / ۶

نظام آموزشی خلاقیت را از افراد می‌گیرد / آغاز سرکوب خلاقیت از مدرسه

مدیر مرکز مطالعات راهبردی و آینده‌پژوهی سایبرالکترونیک دانشگاه امام حسین (ع) گفت: آدم‌هایی که می‌توانستند پژوهشگران خوبی شوند خلاقیت آنها مرحله به مرحله نابود شد و مدل سرکوب خلاقیت از مدرسه شروع می‌شود.

به گزارش خبرنگار گروه دانشگاه ایسکانیوز، پایگاه استنادی علوم جهان اسلامی () بهمن‌ماه سال گذشته از حضور ایران در جمع ۲۰ کشور برتر جهان براساس تعداد انتشارات علمی خبر داد. آماری که بیانگر رشد چشمگیر تولید علم در کشور از نظر کمی است؛ اما در عمل، خروجی محسوسی از پژوهش‌ها برای کمک به حل مسائل جامعه مشاهده نمی‌شود.

اشکال در نظام آموزشی، نبود دانشجوی دغدغه‌مند و پراکندگی موضوعات پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی از جمله معضلاتی است که در مسیر پژوهشگران ایرانی به چشم می‌خورد. عضو هیئت علمی و مدیر مرکز مطالعات راهبردی و آینده‌پژوهی سایبرالکترونیک دانشگاه امام حسین (ع)، هم‌ادبیات شدن صنعت، فرهنگ، اقتصاد، سیاست و استاد دانشگاه را لازمه پژوهش مؤثر دانست و درباره ضرورت آموزش شیوه‌های صحیح پژوهش صحبت کرد. دکتر اباذر خرمی در گفت‌وگو با ایسکانیوز، چالش‌های موجود بر سر راه پژوهشگران کشور را بررسی کرد که ماحصل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

روند آموزش دنیا با چالش‌های بسیاری روبرو بوده و به اعتقاد تعداد زیادی از کارشناسان، دانشجویان ایرانی در آموزش‌ها با روش صحیح پژوهش آشنا نمی‌شوند. نظر شما در این باره چیست؟

بحث مهمی درباره آموزش و پژوهش وجود دارد که باید با نگاه عمیق‌تری بررسی شود؛ پژوهشگری، شغل بسیار مهمی است. اکثر ما شغل‌های خود را به‌درستی انتخاب نمی‌کنیم و این چالشی است که کشورهای بزرگ دنیا روی آن کار می‌کنند، در آموزش، خلاقیت را از افراد می‌گیریم. پابلو پیکاسو می‌گوید: همه آدم‌ها، خلاق به دنیا می‌آیند؛ اما به‌جای این که خلاقیت را رشد دهیم، آن را از انسان‌ها می‌گیریم.

برخی از انسان‌ها خلاقیت پژوهش کردن را دارند، در این راستا باید آموزش ببینند و هدایت شوند. مدل سرکوب خلاقیت از مدرسه شروع می‌شود. مثلاً وقتی یک کودک را به مدرسه می‌بریم و می‌گوییم: تو باید درس بخوانی تا نمره ۲۰ بگیری، در واقع با مدل ثابتی از ارزیابی و هدایت دانش‌آموزان، انتظار نمره مطلوب داریم؛ اما فقط شاگرد اول، نمره ۲۰ می‌گیرد. این شاگرد اول به بهترین دانشگاه می‌رود و بازم بالاترین نمرات را کسب می‌کند. همان شاگرد اول، استاد دانشگاه می‌شود؛ پس بالاترین دستاورد و خروجی نظام آموزشی ما، استاد دانشگاه است، در حالی که این بزرگ‌ترین دستاورد بشر نیست. در این نظام آموزشی، همه آدم‌ها دور همدیگر جمع شده‌اند تا از هر چند هزار نفر، یک نفر استاد دانشگاه شود. در حقیقت بقیه آدم‌ها، وسیله‌ای هستند تا یک فرد به مرتبه استادی برسد.

در این شرایط آیا لازم است بقیه درس بخوانند و پس از هر مقطع بلافاصله برای مدارج علمی بالاتر در دانشگاه بمانند؟ خیر. همان‌طور که گفتیم پژوهشگری در حوزه‌های خاص، یک شغل است. خلاقیت انجام پژوهش در آدم‌ها از زمان طفولیت وجود دارد؛ اما نظام آموزشی دنیا قابلیت رشد، ارتقا و بهره‌برداری از این خلاقیت را ندارد. آدم‌هایی که می‌توانستند پژوهشگران خوبی شوند، به‌قدری خلاقیت آنها مرحله به مرحله نابود شده که در بزرگسالی تبدیل به چیزی می‌شوند که نباید می‌شدند.

شاید باید به دنبال پژوهشگرانی بگردیم که در حال حاضر شغل پژوهشگری ندارند؛ بنابراین قطعاً یکی از چالش‌های پژوهش، آموزش است. از طرف دیگر لازمه پژوهش و تحقیق، نیاز و آینده‌شناسی است، بر این اساس ارتباط سه‌طرفه بین دانشگاه، دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی لازم است تا برای جذب پژوهشگر برنامه‌ریزی کنیم. اگر واقعاً فردی احساس کند که قرار است به‌عنوان یک پژوهشگر در حوزه مورد نیاز بر اساس راهبردهای کشور مشغول به کار شود، حتی اگر در آموزش نیز ضعیف باشد، خود را تقویت خواهد کرد.

چرا پژوهش نتوانسته نقش خود را در دستگاه‌های اجرایی به‌طور کامل پیدا کند؟

برای توسعه علم و فناوری کشور، بنای استفاده از پژوهش و تحقیق بسیار مهم و اثرگذار است. در بسیاری از شرکت‌های بزرگ دنیا، بخش مشخصی از درآمد صرف پژوهش می‌شود، به‌گونه‌ای که پژوهش‌ها ضامن بقای آن شرکت‌ها هستند. به‌عنوان مثال در رقابت اپل و دیگر سازنده‌های موبایل، اپل همواره سعی در بهتر شدن محصولات خودش دارد. بقیه بازار نیز تلاش می‌کنند محصولی بهتر از اپل به بازار موبایل ارائه دهند.

بنابراین هر کدام در این بازی به پژوهشگرانی با طرز تفکر و نگاه متفاوت نیاز دارند. پژوهش برای رشد و ارتقای فناوری، کسب علم و تولید محصولاتی است که برای زندگی بشر سودمند باشد؛ بنابراین باید چرخه‌ای برای استفاده از دستاوردهای پژوهشگر به‌وجود بیاید که می‌تواند از ایده تا محصول را هدایت و پشتیبانی کند.

متأسفانه این چرخه به‌رغم کارهای خوبی که در کشور انجام شده، ناقص است و به‌جای پژوهش برای بهتر شدن، توسعه و تولید، پژوهش برای پژوهش تعریف می‌شود. پژوهشگران گاهی درک مناسبی از چرخه ایده تا محصول برای ایفای نقش خود ندارند و نتیجه این می‌شود که دستگاه‌های اجرایی به‌جای توجه به پژوهش‌های بنیادی، به‌دنبال حل مسائل روز خود با استفاده از تجربه هستند.

برای حل این مشکل، ایده‌های مختلفی مطرح شده است. به‌عنوان نمونه طرح پایش (پژوهش اثرگذار یکپارچه شبکه‌ای) که توسط دکتر طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد مطرح شده، به‌شرطی که به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد، می‌تواند به این چرخه کمک کند تا پژوهش کارآمد شده و کار با پژوهش ارزشمند شود.

پژوهش اثرگذار، فرهنگ‌سازی عمیقی می‌خواهد. مقام معظم رهبری فرموده‌اند دانشگاه در خدمت انقلاب بوده است. دانشگاه‌های ما خوب بوده و در حوزه‌های مختلف مورد نیاز کشور و انقلاب، اثرگذاری داشته‌اند؛ اما باید توجه کنیم دانشگاه‌های بزرگ دنیا در قبال مسئله‌ای که برای آنها تعریف می‌شود، قرارداد امضا می‌کنند و پول می‌گیرند

به نظر می‌رسد پژوهش‌ها در مسیر رفع نیازهای جامعه حرکت نمی‌کنند و دانشگاه‌ها نیز به سمت دانشگاه‌های نسل چهارم؛ دانشگاه‌های مسئله‌محور پیش نمی‌روند. از طرفی سالانه حدود یک میلیون پایان‌نامه و رساله توسط دانشجویان مقطع کارشناسی‌ارشد و دکتری ارائه می‌شود؛ اما موضوعاتی پراکنده دارند و تأثیری در حل مشکلات کشور ندارند. چه ایده‌ای برای حل این مشکل پیشنهاد می‌کنید؟

یکی از اقدامات مهم که در بسیاری از دانشگاه‌های دنیا انجام می‌شود، این است که فردی از صنعت را به‌عنوان استاد راهنمای دوم و استاد

مشاور در کنار دانشجوی قرار می‌دهند. این فرد لزوماً تحصیلات دانشگاهی ندارد، به‌طور مثال در مؤسسه کسب‌وکار هاروارد، وقتی دوره آموزشی برگزار می‌کنند، ارزیابی و تدریس بخشی از آن را به دست فردی از صنعت می‌سپارند.

به‌عنوان مثال در حوزه فنی و مهندسی که حوزه فعالیت من است، اگر برای پایان‌نامه‌ها چنین کاری را انجام دهیم و فردی را از صنعت به عنوان مشاور راهنمای دوم دانشجوی بیاوریم، پیشرفت قابل توجهی حاصل خواهد شد.

این فرد باید حق اثرگذاری و تصمیم‌گیری درباره عنوان پایان‌نامه و تأیید انجام کار را داشته باشد. البته به‌طور حتم رساله دکتری یا پایان‌نامه کارشناسی ارشد احتیاج دارد توسط استاد دانشگاه هدایت شود؛ چون حجم کار و کفایت انجام پژوهش به تجربه و دانش نیاز دارد و باید به‌دست فردی انجام شود که تحصیلات عالی دارد؛ اما برای کاربردی کردن، اثرگذاری، بررسی نتایج و نحوه استفاده، ورود چنین فردی نه تنها خللی در کار ایجاد نمی‌کند؛ بلکه بسیار سودمند است.

در گام دوم باید نشر دانش را در نظر گرفت. یکی از دلایلی که افراد در دنیا مقالات، رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها را منتشر می‌کنند، این است که بقیه از این موضوع اطلاع پیدا کنند و از دوباره کاری جلوگیری شود؛ چرا که اعتقاد دارند دستاوردهای علمی متعلق به تمام دنیاست. البته گاهی اوقات دولت‌ها از این ابزار برای حل رایگان مسائل خود و جهت‌دهی به حرکت‌های پژوهشی استادان و دانشجویان نیز استفاده می‌کنند که موضوع دیگری است؛ اما فارغ از این موضوع، فردی که در این دنیا زندگی می‌کند و پژوهشی انجام می‌دهد، علاقه دارد نتایج را در اختیار بشریت قرار دهد. در حقیقت بازنشر کمک زیادی می‌کند.

پیشنهاد سوم، تغییر رویکرد در ارتقای اعضای هیئت علمی است، به نظر می‌رسد اگر برای آن‌ها ورود به مباحث کاربردی و اثرگذاری پژوهش، به‌عنوان یک امتیاز لحاظ شود، تلاش متفاوتی در این باره خواهند داشت.

نکته چهارم هم وجود شبکه اطلاع‌رسانی جامع است. در بسیاری از ژورنال‌های دنیا، مقالاتی که بیش از ۳۰ درصد مشابهت با سایر مقالات داشته باشد، رد می‌شود. باید سامانه‌ای در اختیار همه استادان کشور، گروه‌های آموزشی و نهادهای تصمیم‌گیر درباره موضوعات قرار دهیم تا مشابهت‌سنجی انجام شود. این شبکه اطلاعاتی می‌تواند از نگارش پایان‌نامه‌های مشابه و تکراری جلوگیری کند و دسترسی آسان، سریع و قابلیت مقایسه می‌تواند برخی از ویژگی‌های شبکه یادشده باشد. به‌عنوان نمونه اطلاع‌رسانی و حمایت از توسعه سامانه همانندجو که توسط پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) راه‌اندازی شده است، می‌تواند نقش مؤثری در این باره داشته باشد.

دانشگاه‌های کشور همیشه از کمبود بودجه گلایه دارند. البته همان بودجه اندک نیز خرج نیازهای اولیه دانشگاه می‌شود. چه راهکاری می‌توان اندیشید تا با وضعیت فعلی، خروجی‌های بهتری از پژوهش‌ها دریافت کرد؟

در ابتدا باید نگاهی ملی داشته باشیم. پژوهش اثرگذار، فرهنگ‌سازی عمیق و تلاش و همت بلندمدت می‌خواهد. اینکه بگوییم دانشگاه‌های ما اثرگذار و کارآمد نبوده‌اند، حرف نادرستی است. دانشگاه‌های ما خوب بوده و در حوزه‌های مختلف مورد نیاز کشور و انقلاب، اثرگذاری داشته‌اند؛ ولی ما درباره بهتر شدن و رسیدن به ایده‌آل صحبت می‌کنیم. دانشگاه‌های دنیا در قبال مسئله‌ای که برای آنها تعریف می‌شود، قرارداد امضا می‌کنند و هزینه آن را می‌گیرند.

بسیاری از دانشگاه‌های دنیا بابت آموزش نیز پول دریافت می‌کنند. آنها حساب و کتاب انجام می‌دهند تا ببینند چقدر هزینه دارند و چه میزان باید درآمدزایی داشته باشند و بخش اعظمی از درآمد آنها از پژوهش‌هایی است که برای شرکت‌های خصوصی یا دولت انجام می‌دهند.

اگر نکته مهم و چالش اساسی این است که می‌گویند پولی برای پژوهش نیست، باید این سؤال را مطرح کنم که پژوهش برای چه فردی؟ کشور ما محدودیت منابع دارد و پژوهش نیز مانند جورچین هزار تکه است. هر فردی باید به اندازه خود، نقشی برعهده بگیرد و یکی از جاهای خالی را پر کند و آن وقت توقع بودجه داشته باشند. اگر فردی فهمید نقش او چیست و جای مخصوص به خود را در جورچین نیاز و نقشه حرکت علم و فناوری کشور پر کرد، اثرگذاری لازم را خواهد داشت؛ اما اگر صد نفر یک جای خالی را به شکل مشابهی پر کنند، فایده‌ای ندارد؛ چون نه تنها به معنای پر کردن جای خالی در صد قسمت مختلف جورچین نیست؛ بلکه به معنای ائتلاف منابع ملی است.

حتماً برای پژوهش‌هایی که به درد جامعه نمی‌خورد، پولی وجود ندارد. پولی که هست باید برای رفع نیازهای جامعه هزینه شود.

استاد باید درک کند کشور در چه شرایطی قرار دارد، به جای اینکه نگاه کند و بگوید که چه می‌داند، باید بنگرد چه تخصصی مورد نیاز است؟ امروز ما اصلاً به استادانی نیاز نداریم که بگویند: من تخصص خاصی دارم و اگر تخصصم به درد می‌خورد، از من استفاده کنید، بلکه استاد باید بگوید: اگر تخصص لازم در حوزه‌ای را ندارم؛ اگر بتوانم ۳۰، ۴۰ درصد از حوزه تخصصی خودم فاصله بگیرم و دانشجویانی را تربیت کنم که به درد حوزه‌های مورد نیاز جامعه بخورند؛ همه تلاشم را به کار می‌گیرم. این استاد در تراز انقلاب اسلامی است و احساس نیاز به وجود چنین آدم‌هایی در جامعه امروز درک می‌شود.

البته در دانشگاه‌های کشور افرادی هستند که چنین حرف‌هایی می‌زنند و نیاز کشور را درک می‌کنند. این افراد در راستای نیازهای مختلف جامعه، مسیر حرکت خود را تغییر داده‌اند؛ بنابراین حتماً برای پژوهش‌هایی که به درد جامعه نمی‌خورد، پولی وجود ندارد. پولی که هست باید برای رفع نیازهای جامعه هزینه شود. باید از استادان پرسید: آیا حاضر هستید چند قدم عقب بروید تا نیازهای کشور چند قدم جلو بیایند و همه با هم یک جهاد علمی انجام دهیم؟ در این صورت پول هست؛ وگرنه پولی وجود ندارد. البته وقتی هدف آرمانی تعریف شود، نقش مادیات کم‌رنگ خواهد شد؛ اما حداقل نیازهای مالی وجود دارد.

بنابراین فرهنگ‌سازی می‌خواهیم تا استادان دانشگاه یاد بگیرند در شرایط امروز کشور به دنبال نیاز بروند. تصور کنید شرکتی خصوصی دارید، استاد دانشگاهی نزد شما بیاید و پیشنهاد پژوهش برای افزایش کیفیت محصولات یا خدمات شرکت، با به‌کارگیری تعدادی از دانشجویان را بدهد و این استاد قبول کند در صورتی پول یا سهم دریافت کند که ارتقای بهره‌وری رخ دهد و محصولی با فناوری جدید تولید شود و به فروش برسد، در این شرایط آیا پیشنهاد او را قبول نمی‌کنید یا حتماً با آغوش باز به استقبال او می‌روید؟

دانشگاه‌ها به افرادی نیاز دارند که با هدف آرمانی که تحقق تمدن نوین اسلامی است، در خدمت کشور و انقلاب باشند. امروز نیاز به جهاد علمی در تمام حوزه‌ها داریم و جهاد علمی و تربیت پژوهشگر جهادی، وظیفه دانشگاه و استاد است. استاد باید امید را در نسل جوان

دانشجو زنده نگه دارد و این اقدامات، رسالت او محسوب می‌شود.

البته تغییر رویکردها و رویه‌ها نیازمند برنامه‌های بلندمدت است و نباید فکر کنیم به سرعت جواب می‌گیریم. هر کاری امروز در آموزش و پژوهش انجام دهیم، چهار سال دیگر نخستین اثرگذاری آن مشخص می‌شود و چند ده سال طول می‌کشد تا نتیجه آن به صورت فراگیر مشهود باشد. قطعاً مسیر تغییر رویکرد دانشگاه‌ها آرام، پریپیچ‌وخم، سخت و آشفته است و نباید فکر کنیم کار ساده‌ای در پیش داریم. در هر دانشگاهی چند صد عضو هیئت علمی وجود دارند که همگی خود را صاحب‌نظر می‌دانند و نمی‌توان در چنین مجامعی، نظری داد و انتظار پذیرش آنی داشت؛ بلکه باید آرام آرام، مستمر، با امید و توکل پیش رفت تا ان‌شالله پژوهش‌های دانشگاه بیش از پیش در خدمت جامعه باشد.

انتهای پیام/